

# بررسی عوامل تبعیض سیستماتیک و استثمار کولبران در مناطق کردنشین ایران

آرون عسگری

کولبری مستلزم کار در شرایط سخت و خطرناک در مرزهاست. کولبری عنوانی است برای اشاره به گروهی از شهروندان عمدتاً کرد ایرانی که از طریق جابه‌جایی کالاهای بازرگانان در دو سوی مرز ایران و عراق امرار معاش می‌کنند، در واقع کولبران صاحب کالا نیستند. آن‌ها به دلیل نبود فرصت‌های شغلی مناسب یا عدم امکان دسترسی به بازارهای رسمی از این راه برای امرار معاش استفاده می‌کنند. کولبران و خانواده‌هایشان نمی‌توانند از حقوق و ضمانت‌های قانونی مربوط به بیمه یا حقوق کارگری بهره‌مند شوند. این موضوع در اغلب موارد منجر به استثمار کولبران از سوی صاحبان کالا می‌شود.

در رابطه با کولبران مطالب گسترده‌ای در رسانه‌های داخلی و برون مرزی، همچنین گزارش‌های متعددی از سوی نهادهای حقوق بشری منتشر شده است. با این حال دو موضوع در ارتباط با وضعیت کولبران کمتر بررسی شده است:

1- مسئولیت سلبی حکومت به واسطه جلوگیری عامدانه از توسعه اقتصادی مناطق کردنشین ایران به عنوان یک استراتژی امنیتی و یک اهرم فشار جهت تضعیف جایگاه اقتصادی اقلیت کرد و به تبع آن کمرنگ کردن نقش اجتماعی و سیاسی آنها در واکنش به نخستین اعتراضات گسترده کردها به استقرار جمهوری اسلامی. نتیجه مستقیم این سیاست بدل شده کولبری به تنها راه تامین معیشت برای بخش بزرگی از خانوارهای ساکن مناطق غربی است.

2- مسئولیت ایجابی حکومت در قبال خلاءهای قانونی مرتبط با وضعیت حقوقی شغل کولبری که به باز گذاشتن دست واسطه‌ها برای استثمار اقتصادی کولبران منجر شده است و به دلیل عدم وجود حمایت‌های قانونی شغل کولبری را به نوعی از کار اجباری بدل کرده است.

## روش تحقیق

حوزه تحقیق این گزارش کولبران در سه استان آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه است.

تمرکز تحقیق بر شناسایی عوامل موثر در شرایط اقتصادی است که کولبری را به تنها انتخاب شغلی بخش بزرگی از مردم این مناطق بدل کرده است و همچنین استثمار حقوق و دستمزد کولبران و عدم برخورداری آنها از حمایت‌های قانونی است که تا حدود زیادی کولبری را با کار اجباری مشابه می‌کند.

این تحقیق به دلیل شرایط ویژه حاکم بر ایران که در بخش چالش‌های تحقیق توضیح داده شده است از راه دور و با تکیه بر منابع باز و انجام مصاحبه‌های تفصیلی به صورت مجازی انجام شده است. متأسفانه در رابطه با موضوع خاص این تحقیق و علیرغم گزارش‌های متعدد درباره کولبران منابع محدودی در رسانه‌ها و فضای مجازی وجود دارد. به همین دلیل پخش عمده منابع تحقیق بر گفتگو با کارشناسان، وکلا، افراد محلی و افراد آشنا به وضعیت کولبران و شرایط اقتصادی مناطق غربی ایران استوار است.

در این تحقیق با اوین مصطفی زاده روزنامه‌نگار و جامعه‌شناس، عثمان مزین وکیل کولبران در ایران، لاوان امانی روزنامه‌نگار از سازمان کولبر نیوز. علی شیخ کریمی شهروند ساکن کردستان عراق، هیوا مولانیا و برخی دیگر از شهروندان، وکلا و کارشناسان که به صورت ناشناس گفتگو کرده‌اند، مصاحبه‌های تفصیلی انجام شده است.

### مشکلات و چالش‌های تحقیق (گزارش)

راستی آزمایی داده‌ها در رابطه با منابع مختلف در روش تحقیق از راه دور کار دشواری است و می‌بایست با چند منبع در رابطه با یک موضوع مشترک گفتگو انجام شود. در بسیاری از موارد این کار امکان‌پذیر نیست. تحقیقات میدانی به دلیل محدودیت‌های شدیدی که جمهوری اسلامی در خصوص فعالیت‌های حقوق بشری به وجود آورده است، کاری بسیار خطرناک و در واقع غیر قابل انجام است.

از سوی دیگر پیدا کردن منابع مطلع در ایران به دلیل همین سرکوب و ارباب‌شدد کاری بسیار دشوار است و اگر منبعی حاضر به گفتگو شود، در بسیاری موارد باید روایت‌ها را به صورت بی‌نام یا با اسم مستعار در تحقیق یا گزارش درج کرد که این موضوع باعث می‌شود در برخی موارد از وجاهت و اعتبار ادعای تحقیق کاسته شود.

### پرسش‌های تحقیق:

در این گزارش تلاش شده است تا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

- چرا علیرغم دستمزد ناچیز از سوی صاحبان کالا و خطرات جانی بسیار زیاد، مردان و در برخی موارد زنان مناطق غربی ایران دست به این کار می‌زنند؟

- آیا شرایط دشوار اقتصادی در این مناطق که این شغل را به تنها انتخاب موجود بدل میکند به صورت عامدانه ایجاد شده است و چه انگیزه هایی در پس آن وجود دارد؟
- آیا عدم تعریف جایگاه حقوقی شغل کولبری و غیررسمی بودن این فعالیت دست کارفرمایان را برای استثمار کولبران باز گذاشته است؟
- آیا میتوان شرایط کولبری را به عنوان نوعی از کار اجباری و بردگی مدرن طبقه بندی کرد؟

#### یافته های تحقیق:

همانطور که ذکر شد کولبری شغلی غیر رسمی است که جابهجایی کالاهای بازرگانان در دو سوی مرز ایران و عراق توسط باربران اطلاق می شود. کولبرها گاهی باید ۲۰ تا ۵۰ کیلو بار را در کوه ها در گرما و سرما و کولاک برف، طی مسافت های طولانی بر دوش خود جابه جا کنند و بر همین اساس برخی از افراد معتقدند که این فعالیت را می توان به مراتب سخت تر و بسیار خطرناک تر از کار معدن دانست.

تاریخچه و پیدایش کولبری در مناطق مرزی ایران و عراق بر اساس تحقیقات انجام شده، به دورانهای بسیار قدیمی بازمی گردد. این فعالیت به دلیل مسائل فرهنگی، زبانی و اقتصادی، همواره در دو سوی مرزهای شمال غربی و غربی کشور ایران با عراق وجود داشته است. پیوند خویشاوندی میان شهروندان کرد در دو طرف مرز و همچنین ارتباطات فرهنگی موجب داد و ستد در دو سوی مرزها بوده است.

در حال حاضر، فعالیت کولبران به شیوه های متفاوت تری در مناطق مرزی استان های آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه انجام می شود. این فعالیت، حدود ۱۵ سال است که به شکل فعلی در جریان بوده و با توجه به مشکلات اقتصادی روز به روز در حال گسترش است.

آمار دقیقی از تعداد کولبران در ایران موجود نیست، اما بر اساس آمارهای غیررسمی دستکم ۸۰ تا ۱۷۰ هزار کولبر در مرزهای غربی کشور در حال فعالیت هستند. در میان کولبران از کودکان ۱۳ ساله تا افرادی با سن بالای ۶۵ سال و حتی زنان کولبر نیز دیده می شود. کولبری در سال های نه چندان دور تنها مختص مردان بود، اما شواهد نشان می دهد که امروزه **زنان زیادی** به ناچار دست به کولبری می زنند و حداقل نیازهای اساسی خود را از این راه به دست آورند. بر اساس اطلاعاتی که برای تهیه این تحقیق به دست آمده است، فعالیت کولبری عمدا در برخی از نواحی مرزی غرب و شمال غرب ایران در جریان است که اصلی ترین مناطق عبارتند از:

سردشت: مرز کیلهشین، مرز دوله بی، کانی زرد، شلماش، بیتوش، مرز مزن آباد، بردپان، دیناران، دیوالان

خوی: کرکوش، روستای بلجوک، بخش قطور، بلسور سفلی، قلعه رش

پیرانشهر: کانی خدا، مرز تمرچین

مرز چالدران

نوسود: گذرگاه کله قندی، کله بر، دره هرات، صوفی خانه

اورامان: تهنه، ژالانه

مریوان: ساوجی، مرز باشماق،

اشنویه

بانہ؛ سرتزین، ههنگه ژال، برویشکانی، عباس آباد، سیران بند، کیلی،

ارومیه: سوما و برادوست، سیارک،

سقز: سیف، بسطام

ارتفاعات مرزی قندیل

پاوه: مرز شوشمی

ماکو: مرز بازرگان

نودشه: روستای زاور، نروی، هانه دشت، هانه گرمله،

سروآباد: درناخی

ثلاث باباجانی؛ مرز شیخ صله

جوانرود: مرز دروله

کرمانشاه: مرز قصرشیرین، مرز پرویزخان، مرز سومار، مرز خسروی

دستمزد کولبران بر اساس نرخ تورم، حداقل دستمزد و ارزش پول ایرانی پرداخت نمی شود، بلکه این دستمزدها بر اساس وزن، ارزش بار، مسیرهای کولبری، فصل کار و توافق فی ما بین پرداخت می شود و برای مرزهای مختلف هم تا حدودی متفاوت است.

به گفته لاون امانی، روزنامه‌نگار و عضو شبکه خبری کولبر نیوز می گوید: «هیچ سندیکا یا سازمان داخلی از کولبران حمایت نمی‌کنند. با افزایش تعداد کولبران، هزینه دستمزد نیز کاهش یافته و صاحبان بار ممکن است از این موضوع سو استفاده کرده و نرخ کمتری برای انتقال بار تعیین کنند.

کولبران به منظور مقابله با این وضعیت، تلاش می‌کنند تا از طریق کانال‌های تلگرامی و شبکه‌های اجتماعی با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و نرخ مناسبی را تعیین کنند. اگر کرایه بار به نظر آن‌ها کم باشد، اعتراض می‌کنند، اما تصمیم نهایی همواره توسط صاحب کالا اعلام می‌شود و کولبران مجبور به پذیرش نرخ تعیین شده می‌شوند.»

بر اساس سند ارائه شده توسط شهروندان از یکی از کانال‌های کولبران در مرز ثلاث باباجانی، هزینه حمل بار به تفصیل در زیر آمده است:

**قابل توجه کوله بران عزیز شهرستان ثلاث باباجانی**

**حق الزحمه کوله بران در طرح کرامت**

ردیف	نام کالا	مبلغ
۱	حق الزحمه یک دستگاه لباسشویی توسط کولبر	۳۰/۰۰۰/۰۰۰ (معادل ۳ میلیون تومان)
۲	حق الزحمه یکدستگاه ظرفشویی	۳۰/۰۰۰/۰۰۰ (معادل ۳ میلیون تومان)
۳	حق الزحمه یکدستگاه یخچال (۲ نفر کولبر)	۶۰/۰۰۰/۰۰۰ (معادل ۶ میلیون تومان)
۴	حق الزحمه ۱۰ عدد آرمبوه گیری	۳۰/۰۰۰/۰۰۰ (معادل ۳ میلیون تومان)
۵	حق الزحمه ۱۰ عدد سرخ کن	۳۰/۰۰۰/۰۰۰ (معادل ۳ میلیون تومان)
۶	حق الزحمه ۱۰ کارتن اتو دستی برق	۳۰/۰۰۰/۰۰۰ (معادل ۳ میلیون ریال)

بر اساس تحقیقات به عمل آمده در نقاط دیگر مرزی، مشخص شده است که صاحبان کالا مبلغ کمتری به کولبران پرداخت می‌کنند، که این مبلغ بین یک میلیون تا دو میلیون تومان متغیر است.

چنانکه ذکر شد آمار دقیقی از تعداد کولبران در مناطق مرزی در دست نیست، اما بر اساس آمار منتشر شده توسط کولبر نیوز، تنها در منطقه «ثلاث باباجانی»، حدود ۱۱۵۶۰ کولبر برآورد شده است که در نوار مرزی شیخ‌صله مشغول به کولبری هستند. این آمار نشان از تعداد زیاد کولبران در این منطقه و اهمیت اقتصادی این فعالیت برای جمعیت محلی دارد.

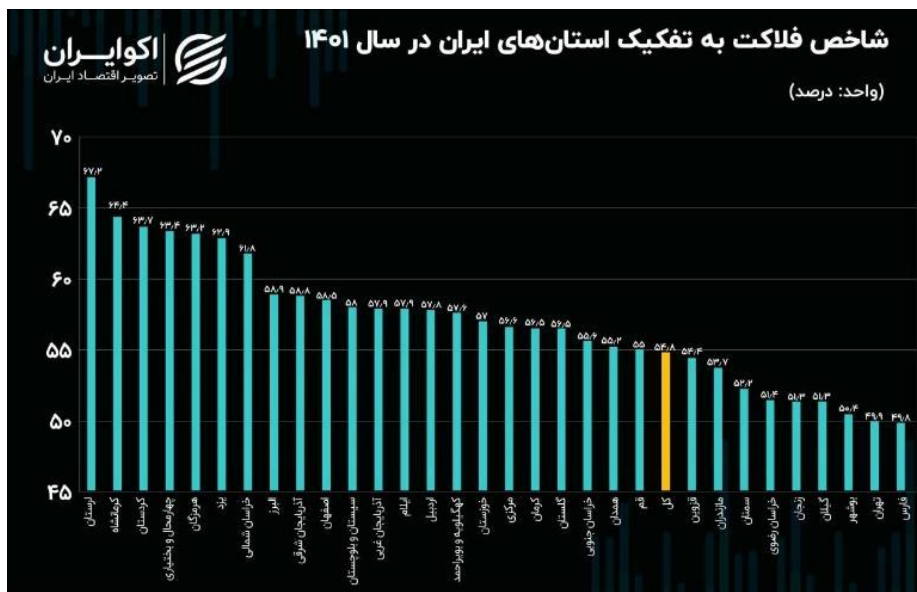
بر اساس آنچه که در تحقیقات آمده است، کولبری به دو صورت عبور از گذرگاه های رسمی و غیر رسمی انجام می شود. بر اساس توضیحات شهروندان کرد، در گذشته کارت های کولبری تحت یک قوانین خاص صادر می شدند، اما با گذر زمان تعداد کارت ها به طور ناگهانی افزایش یافت و فعالیت کولبری به دلیل تعداد بی شمار کولبران دیگر صرفه اقتصادی مانند گذشته نداشته است و این اجبار برای کولبران به وجود آمد که این فعالیت را از طریق گذرگاه های غیر رسمی کولبری انجام دهند.

یک شهروند کرد در رابطه با کولبری از گذرگاه های رسمی در گذشته می گوید: «تعداد صدور کارت های کولبری به یکباره افزایش پیدا کرد و هر کولبری در هفته بیش از دو بار نوبتش نمی رسید تا کولبری کند و آن قدر مرزبانی برای انتقال بارهای مجاز سخت گیری می کرد که به نوعی کار از گذرگاه مرزی صرفه اقتصادی نداشت. مشکلات دیگری هم بود، مثلاً بی دلیل از سوی مرزبانی مورد ضرب و شتم قرار می گرفتیم و باید به ماموران نیز برای رد شدن از مرز مقداری پول خارج از عرف پرداخت می کردیم، برای همین مسائل اکثر کولبران در همان زمان ترجیح می دادند تا از مناطق غیر رسمی کولبری کنند تا حداقل مبلغی از این راه برای گذران زندگی بدست آورند.»

#### بررسی وضعیت اقتصادی مناطق کردنشین:

بر اساس گزارشی که [آفتاب نیوز](#) در تیرماه ۱۴۰۱ منتشر کرده است، بیشتر میزان شاخص فلاک پس از استان لرستان در دو استان کردستان و کرمانشاه قرار داشته است.

«شاخص فلاکت» کل کشور در سال ۱۴۰۱ حدود ۵۴.۸ درصد برآورد شده است. استان کرمانشاه (۶۴.۴ درصد) و کردستان (۶۳.۷ درصد) و آذربایجان غربی ۵۷.۹ درصد نرخ فلاکت را تجربه کرده اند



شاخص فلاکت از مجموع نرخ بیکاری و نرخ تورم به دست می‌آید. این شاخص ارتباط مستقیمی با رفاه مردم دارد و هر چه میزان آن بیشتر باشد، به معنای بالاتر بودن معضلات اجتماعی و اقتصادی چون بیکاری یا تورم یا هر دوی آنهاست؛ بنابراین شاخص فلاکت در هر سال یکی از مهمترین شاخص‌ها برای دولت‌ها محسوب می‌شود.

با توجه به گفته‌های فعالان مدنی و حقوق بشری کرد، عدم وجود فرصت‌های شغلی و کمبود توسعه اقتصادی، همچنین تأثیر نگاه امنیتی که جمهوری اسلامی نسبت به کردها و مناطق کردنشین از آغاز انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ وجود داشته، این مناطق را در وضعیت عقب ماندگی کامل نگه داشته است تا امکان اثرگذاری این بخش از جامعه در معادلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را به حداقل برساند. این نگرش امنیتی باعث شده است که توسعه اجتماعی و اقتصادی در این نواحی به مراتب کاهش یابد و افراد با کمبود فرصت‌های شغلی مواجه شوند.

اوین مصطفی زاده، جامعه‌شناس کرد، در ارتباط با وضعیت اقتصادی مناطق کردنشین می‌گوید: «نبود فرصت‌های شغلی و بیکاری، مهمترین دلیل روی آوردن افراد به کولبری است، به طور کلی، مناطق کردنشین از جمله توسعه‌نیافته‌ترین مناطق ایران هستند و کمترین سرمایه‌گذاری اقتصادی در آن‌ها انجام می‌گیرد.»

عثمان مزین وکیل کرد در رابطه با فعالیت کولبری می‌گوید: «علت اساسی کولبری که دولت هم دلیل ترویج آن در این سال‌ها بوده است، نبود شغل و منبع درآمد و سیاست‌های تبعیض‌نازادی بین اقلیت و اکثریت بوده است. حاکمیت در محروم نگه داشتن مناطق کردنشین و کوچاندن اجباری افراد به نقاط دیگر تعمد دارد. حکومت حامدانه کردها را در فقر نگه داشته و توانمندی اقتصادی آنها را از بین می‌برد. شرایطی را ایجاد کرده است که کرامت انسانی این افراد از بین برود و حاضر شوند به اجبار به کولبری روی بیاورند.»

بر اساس تحقیقات انجام شده در مناطق مرزی، وجود مین‌ها به عنوان یک عامل خطرناک، باعث ایجاد مشکلات جدی برای مرزنشینان کرد شده است و فعالیت‌های کشاورزی را به عنوان یک جنبه مهم در زندگی این افراد، با خطرات بسیاری همراه کرده است. علاوه بر این، دامداران و چوپان‌ها نیز از این خطرات مستثنی نیستند، زیرا برای چرای دام‌ها نیازمند حرکت در این مناطق خطرناک هستند.

انفجار مین‌های به جا مانده از جنگ ایران و عراق و یا مین‌هایی که به ادعای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی برای حفاظت و امنیت منطقه و جهت جلوگیری از ورود عناصر دشمن کاشته می‌شوند در این مناطق همواره حادثه آفریده است. از آن رو تیراندازی گاه و بیگاه به چوپانان حین چرای دام‌های و یا افراد در حین کشاورزی به دلیل نزدیکی فعالیتشان به مناطق صفر و حساس مرزی نیز از اخباری است که برخی مواقع مخایره می‌شود.

به گفته یک منبع آگاه طی ماههای گذشته احمد محمد زاده چوپان کهن سال اهل روستای درمان آباد سردشت توسط نیروهای مرزبانی مورد اصابت شلیک گلوله قرار می‌گیرد و به صورت نیمه جان رها می‌شود که طی سپری کردن دوره درمان طولانی از مرگ حتمی نجات پیدا می‌کند و علی‌رغم شکایت به مراجع قضایی تا کنون هیچ‌گونه رسیدگی به وضعیت وی انجام نگرفته است.

یوسف احمدی شهروند کرد اهل الواتان از توابع میرآباد یکی دیگر از قربانیانی است که روز سه‌شنبه ۱۷ تیرماه ۱۳۹۹ حین فعالیت چوپانی در منطقه صفر مرزی دشت وزینه شهرستان سردشت بر اثر شلیک مستقیم گلوله از سوی نیروهای مرزبانی جان خود را از دست داد.

بر اساس اطلاعات بدست آمده برای این گزارش بسیاری از مرزنشینان مناطق کرد نشین به دلیل خطرات بالا و دستمزد ناچیز از انجام کارهای کشاورزی و گله‌داری در مناطق صفر مرزی خودداری می‌کنند و به ناچار مجبور می‌شوند، ریسک بالاتری را به جان خریده و به کولبری روی آورند.

به گفته شهروندان کرد، علیرغم وجود منابع آبی و خاکی فراوان در مناطق کردنشین و مناطق صفر مرزی، کشاورزی در این نواحی با مشکلات جدی روبرو است. این معضل بخشی از تاثیر غیرمستقیم استراتژی امنیتی حکومت برای ممانعت از توسعه و رونق اقتصادی مناطق کردنشین است. عدم توجه عامدانه به نیازها و مشکلات این مناطق موجب عدم توسعه بهینه کشاورزی شده و این امکان را فراهم نمی‌کند که از منابع غنی طبیعی به نحو احسن استفاده شود و در واقع این فعالیت کفاف زندگی خانواده‌ها را نمی‌دهد.

لاون امانی، عضو تحریریه کولبر نیور در مورد وضعیت کشاورزی مناطق کردنشین در سال‌های اخیر می‌گوید: «علیرغم وجود پتانسیل فراوان در زمینه فعالیت‌های کشاورزی در مناطق کردنشین متأسفانه حکومت با سدسازی بی‌رویه و با هدایت آب به شهرهای مرکزی، این صنعت را نابود کرده است. جمهوری اسلامی اهداف سیاسی مشخصی را دنبال می‌کند و به صورت عمدی و سیستماتیک این عمل را انجام می‌دهد و از فشار اقتصادی به عنوان یک ابزار برای کنترل کردها در ایران استفاده می‌کند.»



بر اساس تحقیقات انجام شده، وضعیت فعالیت‌های صنعتی در مناطق کردنشین نسبت به فعالیت‌های کشاورزی تفاوت زیادی ندارد. برخی از فعالان مدنی کرد اظهار داشتند که دولت از توسعه نیافتگی صنایع و کوچک نگه داشتن اقتصاد مناطق کردنشین به عنوان یک وسیله برای کنترل رفتار شهروندان در همه فعالیت‌ها و حتی به عنوان یک ابزار تنبیهی استفاده می‌کند.

برای نمونه، با آغاز اعتراضات زن زندگی آزادی در سال ۱۴۰۱ که به انقلاب ژینا معروف شده است و در مناطق کردنشین اعتراضات گسترده‌ای به همراه داشت، به گفته منابع محلی، مقامات جمهوری اسلامی برای مقابله و تنبیه شهروندان کرد، بازارچه‌های مرزی را بستند و در حال حاضر اکثر امرار و معاش ساکنان محلی از طریق کولبری از گذرگاه‌های غیر رسمی انجام می‌پذیرد. به گفته منابع محلی، این وضعیت نه تنها در واکنش به اعتراضات داخلی بلکه به دلیل اعلام فراندوم از سوی کردهای عراق نیز به وجود آمده است.

این نمونه‌ها نشانگر احتمال استفاده امنیتی حکومت از ابزارهای اقتصادی برای کنترل سیاسی جامعه است. از جمله این ابزارهای کنترل مواردی مانند محدودیت‌های اقتصادی، کنترل بودجه و تنظیمات قوانین مربوط به کسب و کارها در مناطق کردنشین باشد.

به عنوان مثال، واحدهای صنعتی استان کردستان با چالش‌های جدی در مسیر تولید مواجه بوده‌اند و چشم انداز روشنی برای توسعه و تقویت فعالیت‌های صنعتی و تولیدی در این استان وجود ندارد. این امر در تضاد کامل با برنامه‌های توسعه اقتصادی در استان‌هایی مانند اصفهان و شیراز است. بر اساس [آمار](#) هم اکنون شمار شاغلان بخش صنعت در کردستان تنها دو هزار و ۴۸۴ نفر است که این آمار در آخرین رتبه کشور قرار دارد و در کنار این مهم کردستان تنها ۲۵ صدم درصد کل شاغلان حوزه صنعت در کشور را به خود اختصاص داده است.

### کوچ اجباری به دلیل سو مدیریت و نگاه امنیتی

همان‌طور که پیش‌تر در این تحقیق آورده شده است، بر اساس گفته فعالان کرد، نبود اشتغال، مشکلات مالی و سیاست‌های تبعیض آمیز اقتصادی حکومت، باعث محرومیت مناطق کردنشین به ویژه در نواحی مرزی و حتی شهرهای بزرگ شده است و در پی این موضوع شهروندان کرد به صورت اجباری به کولبری در شرایط دشوار روی می‌آورند.

عثمان مزین، وکیل کرد، در این رابطه می‌گوید: «پس از تعطیلی بازارچه‌های مجاز و رسمی، جمعیت زیادی از شهروندان کرد به کولبری در مرزهای غیر رسمی روی آوردند. جوانانی از شهرهای بوکان، سقز، کامیار، و مهاباد و حتی سنندج و ارومیه که هیچ‌کدام از این شهرها مرزی نیستند، به دلیل بیکاری به روستاهای مرزی مهاجرت کرده، خانه و قاطر اجاره

می‌کردند و این گونه آمار کولبران در سال های اخیر، افزایش یافته و در بعضی از روستاها با این افزایش، می توان گفت هفتاد و هشتاد درصد از سکنه به کولبری مشغول شده‌اند."

این موضوع نشان می دهد که حتی در مناطق غیر مرزی استانهای غربی، شرایط اقتصادی و بیکاری به قدری بحرانی است که بسیاری از شهروندان برای امرار معاش از طریق کولبری به مناطق مرزی کوچ می کنند.

مهاجرت شهروندان کرد از کردستان نتیجه‌ای دیگری از سیاست‌های حکومت است. فعالان کرد اعتقاد دارند که به دلیل موانع گوناگونی که حکومت در خصوص کولبری ایجاد کرده است، خانوارهایی که شرایط کولبری در شرایط سخت را هم ندارند ناچارند دست به مهاجرت زده و از خاکی که متعلق به آن هستند، خارج شوند. آنها به کشورهای دیگر یا شهرهای مرکزی دیگر پناه می‌برند و در جوامع دیگر حل می شوند یا به صورت گروههای اجتماعی کوچک و منزوی به زندگی ادامه می دهند. و با گذر زمان، جامعه کرد ایران در مناطق مرزی کشور بیش از پیش تضعیف می‌شود.

علی شیخ کریمی، فارغ‌التحصیل رشته ژنتیک کشاورزی و ساکن منطقه کردستان عراق درباره مهاجرت شهروندان کرد می‌گوید: "حدود ده سال پیش، فعالیت‌های کشاورزی در کردستان عراق سودآور بود و افراد با تخصص در هر زمینه از هر کجا به این منطقه مهاجرت می‌کردند و مشغول به کار می‌شدند. اما با افزایش تعداد مهاجران و تقاضای بیشتر برای کار، سهم عراقی‌ها از سودها رو به کاهش گذاشت به طوری که در حال حاضر برای مهاجران این کار سودآور نیست. با این وجود، باز هم هر ساله شاهد ورود بسیاری از کشاورزان از نقاط مختلف ایران، به ویژه مناطق کردنشین، به کردستان عراق هستیم."

بر اساس یافته‌های این تحقیق، وضعیت اقتصادی دیگر اصناف و کارگران مهاجر کرد نیز در کردستان عراق به همین شکل است. با افزایش نیروی کار، فرصت‌های شغلی کاهش یافته و برای مهاجران، علیرغم زندگی در شرایط سخت مانند گذشته، درآمد قابل توجهی باقی نمی‌ماند تا بتوانند هزینه‌های اولیه خود را تامین کنند. با این وجود، به دلیل عدم اشتغال و فرصت‌های شغلی کمتر در مناطق کردنشین ایران، این افراد همچنان تلاش می‌کنند تا برای کار به کردستان عراق پناه ببرند.

مجموعه این مشکلات که قدرت انتخاب ساکنان مرزی ایران برای امرار معاش خود را تقریباً به صفر رسانده است و همچنین عدم وجود اتحادیه صنفی و حمایت‌های قانونی از کولبران دست صاحبان کالا و بازرگانان عمدتاً غیر محلی را برای استثمار هرچه بیشتر کولبران باز گذاشته است. صاحبان کالا که می دانند هیچ راه امرار معاش دیگری در این مناطق وجود ندارد و همچنین تعداد افرادی که برای تامین زندگی خود ناچار به کولبری هستند هر روز افزایش پیدا می کند، از این شرایط برای کاهش دستمزدها یا تحمیل شرایط طاقت فرسای کار استفاده می کنند. در برخی موارد به ویژه در رابطه با کولبرانی که ناچارند از مسیرهای غیر رسمی عبور کنند، صاحبان کالا که می دانند هیچ حمایت قانونی از کولبران وجود ندارد، از ابزار ترساندن کولبران و تهدید به گزارش فعالیت آنها به مقامات محلی استفاده می کنند تا دستمزدهای کمتری بپردازند.

در حوزه قوانین مدرن کار اجباری چنین تعریف می شود: "کار اجباری به هر نوع رابطه کاری گفته می شود که در آن افراد برخلاف میل خود با استفاده از ابزار تهدید به فقر، بازداشت یا خشونت به کار گرفته میشوند. امروزه بسیاری از پژوهش ها عدم امنیت شغلی و ترس از فقر مطلق را یکی از عوامل اصلی کار اجباری و حتی برده داری مدرن می دانند.

با توجه به شرایط خاص مناطق مرزی غرب کشور که به تشریح آن پرداختیم و در آن هیچ راه امرار معاش دیگری به غیر از کولبری به ویژه برای ساکنین محلی نوار مرزی وجود ندارد، اضافه شدن عامل تهدید به گرسنگی و فقر مطلق و همچنین تهدید به بازداشت و خشونت از سوی ماموران به خاطر عبور از مناطق غیر رسمی، با هدف بهره کشی از کولبران و دادن دستمزدهای کمتر می تواند کولبری به یکی از مصادیق کار اجباری نزدیک کند.

### نتیجه گیری :

بر اساس یافته های این تحقیق، عدم وجود برنامه های مدون و اثرگذار در مناطق کردنشین، تبعیض سیستماتیک قومیتی و مذهبی و همچنی استفاده عامدانه از محدودیت های اقتصادی به عنوان ابزار مجازات و کنترل سیاسی از سوی حکومت، باعث بروز بیکاری شدید و فقر فراگیر در این مناطق شده است.

کوچک نگه داشتن عامدانه اقتصاد صنعتی و مشکلات عدیده کشاورزی و دامداری در مناطق کردنشین به ویژه در مناطق صفر مرزی که به خصوص به واسطه مین گذاری های گسترده ایجاد شده است، کولبری را تقریباً به تنها راه ممکن برای زنده ماندن در مناطق مرزی غرب کشور بدل کرده است. این فشار اقتصادی حتی باعث شده که بسیاری از شهروندان کرد برای کولبری از سایر نقاط به نوار مرزی استانهای غربی کوچ کنند.

جایگاه کولبری به عنوان تنها راه امرار معاش برای بخش وسیعی از ساکنین نوار مرزی غرب کشور در کنار عدم وجود حمایت های قانونی و صنفی از کولبران و همچنین آزار، شکنجه، بازداشت و حتی کشتن کولبران از سوی ماموران مرزی باعث می شود صاحبان کالا از شرایط به شدت آسیب پذیر کولبران در جهت بهره کشی از آنان با دستمزدهای ناچیز غیر قانونی و همچنین تحمیل شرایط غیر انسانی کار سوء استفاده کنند.

استفاده دولت از فقر شدید در مناطق کردنشین به عنوان یک ابزار سرکوب و کنترل و بی عملی در قبال تعریف جایگاه حقوقی کولبری و اجازه شکل گیری نهادهای صنفی جهت نظارت بر دستمزدها و توافقات میان کولبران و صاحبان کالا در عملاً کولبری را به کار اجباری بدل کرده است که در تعارض آشکار با تعهدات جمهوری اسلامی ذیل بند سوم از ماده هشت میثاق سیاسی و مدنی است که "و اداری کردن افراد به اعمال شاقه و کار اجباری" را ممنوع کرده است.

منابع: کولبر نیوز- کردپا